

شاید افغانستان در جهان یگانه کشوری باشد که پیکرهای مومیایی شده بروی دل زنده ها نماز جنازه برپا می دارند

الهی به امید تو .!

بهار امسال، شقایق های بدخشان را قرمزی تر و داغ دل لاله های بلخ و جوزجان و غور و لغمان و هرات و کنر و پکتیا و قندهار و پنجشیر و غزنه و نیمروز و بامیان ... را سیاه تر از گذشته نموده است؛ این چه مصیبتی است که طبیعت و بندگان ناسپاس خدا دست به هم داده و بر سر این ملت هردم شهید و دایم در خون نشسته، همه روزه از نو فاجعه ای را مسلسل تکرار می کنند. تو گویی که شیطان بزرگ، همه شیاطین و ارواح خبیثه را از سراسر گیتی و دیگر سیارات بسیج نموده و بخاطر ماموریتی زشتی به افغانستان فرستاده باشد؛ روزی نیست که مادر داغ دیده ای در این ماتمسرا در سوگ فرزندان و عزیزانی در خون و خاک غنوده اش نه نشسته باشد، از چشمان افسرده مام این میهن متصل خون می چکد. تو گویی قرنهاست که در این خاک جادوشده، اهریمن بزم خون برپا نموده است. تو گویی در این کشور مصیبت زده، فرشته های آسمانی صدای انسانیت را برای همیشه خاموش کرده باشند. بلی هموطن عزیز! دیربست که زادگاه آزادگان، مال و ملک عجوبه ها و لانه دزدان و زورمندان شده است، دیگر منصورها سربردار شده اند؛ دشمنان قسم خورده این میهن باستانی حتی ارواح منصورها را در "باستیل" افغانستان زندانی نموده اند، که در نبود شان مرده ها و پیکرهای مومیایی شده امروز چنان جرئت می کنند که گستاخانه فتوا صادر می نمایند تا بروی دل زنده ها نماز جنازه برپا دارند. "ای بسیار کسانی که بر پشت زمین زنده می دانیم و ایشان مردگانند و ای بسی کسانی که در شکم زمین مرده می دانیم و ایشان زندگانند" (*)

هفته گذشته در اثر رانش زمین در قریه آبیاریک ارگو ولایت بدخشان در اثر خشم طبیعت، فاجعه ای مرگباری رخ داد که به تعداد سه صد خانواده را به کام مرگ کشید. به اساس گزارش رسانه ها در روز دوم حادثه بعد از آن که اولیای امور کار عمه نجات را (که توسط خود مردم محل آغاز شده بود) توقف دادند، «علما» فتوا صادر نمودند که نماز جنازه غیابی در محل حادثه خوانده شود، البته فتوا در حالی صادر می شود که یک کودک دوازده ساله از زیر خروارها خاک توسط مردم محل زنده و سالم کشیده شده بود؛ قرار گزارش گزارشگران از محل حادثه، احتمال زیاد وجود دارد که والدین و خواهر و برادر این کودک و افرادی دیگری نیز در زیر آوارهای خاک زنده بوده باشند که به سبب بی توجهی دولت و قطع عمه نجات، آدمهای "زنده" قبل از آن که جان را به جان آفرین بسپارند، نماز جنازه شان پیش از مرگ خوانده شد، و دولت بخاطر تسلی دل بازماندگان و خویش و افارب آنها وعده داده است که به رسم احترام و گرامیداشت یاد ناپدیدشدگان و قربانیان این حادثه در آینده نزدیک طور یادگار یک "توغ" را بر مزار قبور بینام این قربانیان بر فراز تپه بلند خواهد کرد، این بود کمک اولیه دولت اسلامی افغانستان به مصیبت زدگان قریه آب باریک ارگوی ولایت بدخشان.

افسوس بحال این ملت بیچاره که در نزد رهبران و کاخ نشینان این کشور، زنده و مرده این مردم غریب و بی وسیله و بی واسطه اصلاً برابر یک سر جو هم ارزشی ندارد. آخر نمی دانم این همه مشاور و کارشناس خارجی و داخلی که با معاش های کلان و مصارف گزافی در اطراف آقای کرزی و وزرای بی کفایت او غمبر می زنند و از خون ملت دردمند افغانستان و کارگران کشورهای غربی مثل تمساح تغذیه می کنند برای چی جمع شده اند؟؟؟

در هر کشور اسلامی و غیر اسلامی در پی حوادث طبیعی و یا تخنیکی، دولت ها و مؤسسات خیریه با آخرین امکانات دست داشته در گام نخست تلاش می کنند تا مردم آسیب دیده را از زیر خاک، گل، سنگ و آب و آتش زنده بیرون کشیده و نجات بدهند، کمک های بین المللی را جلب نمایند، حتی مرده ها را بخاطر تسلی دل وابستگان و بازماندگان شان از دل کوه ها و قعر اقیانوس ها بیرون می کشند، که کار عملیه نجات هفته ها و ماه ها دوام می کند. در ترکیه چند سال پیش عمه نجات نیروهای واکنش سریع بعد از وقوع زلزله شدیدی طفلی را بیرون کشیده بود که با گذشت چندین هفته هنوز زنده مانده بود. در پاکستان، در هایتی در چیلی در گرجستان در روسیه در ایتالیا در اسپانیا در چین در سایر کشورها بعد از گذشت روزها و هفته ها نیروهای ویژه واکنش سریع این کشورها جان هزاران هموطنان شان را از خطر مرگ تا هنوز نجات داده و نجات می دهند، اما در کشور ما همه کارش وارونه است؛ البته این را همه می دانیم و می پذیریم که افغانستان مثل دیگر کشورها امکانات لازم تخنیکی و مالی در اختیار خود ندارد، اما به اساس نورمهای و پرنسب های قبول شده بین المللی دولت افغانستان این حق را دارد که از دیگر کشورها بویژه از کشورهای پیشرفته جهان در شرایط اضطراری و وقوع آفات طبیعی در خواست کمک های مالی و تخنیکی به موقع نماید، آنطوری که دیده می شود در حادثه رانش زمین

در منطقه آب باریک ارگو، متأسفانه دولت هیچ اقدامی به موقع نکرده است، این در حالیست که از سیزده سال به این طرف بیشتر از چهل کشور پیشرفته جهان در افغانستان حضور سیاسی نظامی و اقتصادی دارند، که همه با تکنیک مدرن و عصری مجهز می باشند؛ دولت اگر می خواست در عصره وقت می توانیست از این کشورها طالب کمک شود، که متأسفانه به هر دلیلی(؟) که بود نخواست، واقعاً اگر دولت به موقع اقدام می نمود، شاید چندین هموطن ما از زیر توده های خاک زنده نجات می یافتند.

خوب، اگر در این حادثه - در حادثه مرگبار لغزش زمین در قریه آبباریک ارگوی ولایت بدخشان فرض مثال یک عضو خانواده آقای کرزی و یا فرزند یکی از اراکین بلند پایه دولت و یا وابستگان کدام یک از وزیر «صاحب» ها زیر خاک گیر می ماند، آیا در آن صورت هم «علما»ی کرام و حاکمان محلی بعد از گذشت یک روز فتوا صادر می کردند که مردم برایشان نماز جنازه غیابی برپا دارند؟ هرگز نه، هرگز نه! خدای ناخواسته اگر چنین روزی بر سر خانواده های آنها می آمد، به یقین کامل که آقای کرزی با دو معاون و اعضای کابینه اش همه کابل را ترک نموده و به بدخشان رفته روی تپه های خاکی قریه آبباریک خیمه می زدند، تا نشانی از عزیزان و وابستگان شان را بدست آورند؛ اما فرزند غریب، فرزند فقیر فرزند یتیم در جوزجان در بدخشان در قندهار در نورستان در بادغیس در وردک در تخار در فراه در بامیان در سمنگان در پروان همچنان فقیر و در بدر و خاک بسر و بی واسطه و بی وسیله است؛ مرده و زنده او نزد مافیایی قدرت و دولتمردان فاسد افغانستان ارزشی ندارد.

" توکز محنت دیگران بیغمی، نشاید که نامت نهند آدمی "

این هم لینک آن ویدوی که مردم محل کودک دوازده ساله را از زیر چندین متر خاک در قریه آبباریک ارگو چند روز پیش زنده نجات داده بودند:

<https://www.facebook.com/photo.php?v=284861148353913>

در فرجام بدینوسیله می خواهم از همه نهادها و مؤسسات خیریه داخلی و خارجی از تلویزیون های داخلی و برونمرزی افغانستان، بخصوص از محترم آقای نبیل مسکینیار مؤسس و گرداننده تلویزیون آریانا افغانستان، سایت های انترنیتی و همچنان از آنده هموطنان شریف و عزیز خود که از سراسر جهان به مردم مستضعف بدخشان، بخصوص به مردم دردمند و فقیر قریه آبباریک ارگو از راه های مختلف یاری و کمک مادی و معنوی رسانده اند، به صفت یک شهروند دردمند افغانستان و از نام مردم رنجیده بدخشان عزیز ابراز سپاس و امتنان نمایم، از خداوند منان به همه شما سلامتی، توفیق و بهروزی استدعا می کنم، پروردگار عالم صلح و آرامی را در سراسر جهان و افغانستان عزیز باز گرداند.

با درود و مهر فراوان

ضیا باری بهاری

پانویس: * نقل قول از ابوالحسن خرقانی، عارف و دانشمند بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری.